

عدالت و حقوق

به کوشش حسینعلی بای

www.ketab.ir



عدالت و حقوق

به کوشش حسینعلی بای
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: الغدیر

سرشناسه: بای، حسینعلی، ۱۳۵۱-

عنوان و نام پدیدآور: عدالت و حقوق / به کوشش حسینعلی بای.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۳۲ص.

شابک: ۵- ۳۰۷- ۱۰۸- ۶۰۰- ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: قیابای مختصر.

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در سایت کتابخانه ملی در دسترس است.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۲۹۴۹

نقاط بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۳۱	اجرای عدالت، احساس عدالت
۳۵	عدالت و حقوق
۳۵	مقدمه
۳۷	۱. مفهوم عدالت در اندیشه امام علی(ع)
۴۳	۲. آثار عدل و ظلم
۴۷	۳. حکومت، بستری برای تحقق عدالت
۵۶	۴. انصاف و عدالت، سرلوحه برنامه حکومت
۵۸	۵. امام(ع) و عدالت قضایی
۶۳	۶. امام علی(ع) و استقلال قضایی
۶۵	۷. عدالت، فلسفه اجتماعی
۶۷	نتیجه
۶۸	منابع
۷۱	حق و عدالت در اندیشه استاد مطهری
۷۱	۱. تعریف حق
۷۳	۲. رابطه حق و تکلیف

۳. حقوق طبیعی ۷۵
۴. مبنای حقوق طبیعی ۷۷
۵. حقوق بشر ۷۹
۶. رابطه قانون با اخلاق ۸۱
۷. تقدم حق جامعه بر فرد ۸۲
۸. عدل ۸۴
۹. نقش اصل عدل در حقوق اسلامی ۸۴
۱۰. تعريف عدالت ۸۶
۱۱. ضرورت عدالت ۸۹
۱۲. نسبت عدل ۹۰
۱۳. تفسير عدل ۹۱
۱۴. فطری بودن عدالت ۹۳
۱۵. مطلق بودن عدالت ۹۴
۱۶. عدالت، ارزش برتر ۹۵
۱۷. منابع ۹۶
۱۸. نسبت میان عدالت و حقوق بشر ۹۷
۱۹. مقدمه ۹۷
۲۰. تعريف حقوق ۹۹
۲۱. عدالت؛ مبنای حقوق ۱۰۰
- ۲۱-۱. مکتب آرمان گرایی ۱۰۰
- ۲۱-۲. مکتب واقع گرایی ۱۰۱
۲۲. مراد از حقوق بشر (Human rights) ۱۰۲
۲۳. حقوق خصوصی ۱۰۲
۲۴. تعريف عدالت ۱۰۴
۲۵. نسبت عدالت و حقوق بشر ۱۰۵
۲۶. دین، عدالت و حقوق بشر ۱۰۹

۷. عدالت: مهم‌ترین قید آزادی..... ۱۱۵
- نتیجه..... ۱۲۱
- منابع..... ۱۲۴
- اصل فردی کردن مجازات‌ها؛ تبعیضی فاحش یا عدالتی عادلانه‌تر؟..... ۱۲۷
- مقدمه..... ۱۲۷
۱. تأثیر مفهوم عدالت بر الگوی تعیین مجازات..... ۱۲۸
- ۱-۱. رویکرد مبتنی بر تقابل..... ۱۲۸
- الف) مفهوم عدالت محافظه‌کارانه..... ۱۲۸
- ب) عدم بجات‌رسانی معین..... ۱۳۱
- ۱-۲. میک مبتنی بر تعامل..... ۱۳۳
- الف) مفهوم عدالت رادیکال..... ۱۳۳
- ب) نظام مجازات‌رسانی نامعین..... ۱۳۵
۲. جایگاه اصل فردی کردن مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران..... ۱۴۰
- ۲-۱. فردی‌سازی پیش از مرحله قضاوت..... ۱۴۱
- ۲-۲. فردی‌سازی حین قضاوت..... ۱۴۳
- الف) اختیارات قاضی در تعیین مجازات..... ۱۴۳
- ب) توبه..... ۱۴۴
- ۲-۳. فردی‌سازی پس از مرحله قضاوت..... ۱۴۵
- الف) آزادی مشروط..... ۱۴۵
- ب) عفوهای خاص..... ۱۴۶
- ج) اجرای مجازات‌ها..... ۱۴۶
- نتیجه..... ۱۴۸
- منابع..... ۱۴۹
- استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی و تأثیر آن**
- در تحقق دادرسی عادلانه..... ۱۵۱
- مقدمه..... ۱۵۱

۱. دادرسی عادلانه (fair trial) ۱۵۵
۲. استقلال بازپرس ۱۵۵
- ۲-۱. انجام تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس ۱۵۷
- ۲-۲. استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی ۱۶۰
- الف) استقلال بازپرس در صدور قرار تأمین کیفری ۱۶۲
- ب) استقلال بازپرس در صدور قرار نهایی ۱۶۶
- نتیجه ۱۶۹
- منابع ۱۷۰
- راهنمای تأمین عدالت ۱۷۳
- مقدم ۱۷۳
۱. تعریف ملت ۱۷۵
۲. قانون صحیح ۱۷۶
۳. قانون‌گرایی ۱۸۱
۴. اخلاق ۱۸۵
۵. شایسته‌سالاری ۱۹۱
- الف) قصه طالوت و بنی اسرائیل ۱۹۲
- ب) داستان حضرت یوسف ۱۹۳
- ج) داستان موسی و شعیب ۱۹۳
۶. نظارت اجتماعی ۱۹۸
۷. پیوند استوار حکومت و ملت ۲۰۲
۸. زی مردمی داشتن کارگزاران نظام ۲۰۷
۹. مبارزه با ستمگران ۲۱۳
- منابع ۲۱۹
- فهرست آیات ۲۲۱
- فهرست روایات ۲۲۳
- نمایه ۲۲۷

پیشگفتار

پیروزی انقلاب شد و هند اسلامی و استقرار نظامی بر اساس آموزه‌ها و احکام آن در ایران از یک سو و شکست مکاتب بشری و ناکامی نظام‌های گوناگون اجتماعی در تأمین بازه‌های مادی و معنوی انسان از سوی دیگر، بر گستره انتظار بشر از اسلام افزوده است.

انتظار آن است که اسلام با عنوان دین هدایت فرد و اداره جامعه تبیین، نظام‌های اجتماعی آن ترسیم و دیدگاه آن در مواجهه با یافته‌های علوم انسانی و مکاتب بشری، با منطقی مستدل و مسند ارائه گشته، بیسش‌ها، ارزش‌ها و منش‌های دینی متدینان، آسیب‌شناسی و ساحت‌شناسی دین از پیرایه‌های موهوم و موهون، پیراسته گردد.

تحقق این امور، پژوهشی دقیق، جامع و سامان‌دهنده درباره کشف و بازآفرینی آموزه‌های اسلام و نظام‌های اجتماعی آن و هستی‌والی و تلاشی شایسته و روزآمد را می‌طلبد و این امر بدون تأسیس نهادهای پژوهشی و آموزشی ممخض و کارآمد میسر نیست.

بدین منظور پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که نهادی علمی است در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید.

این پژوهشگاه در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده نظام‌های اسلامی که مشتمل بر پنج گروه اقتصاد، فقه و حقوق، سیاست، اخلاق و مدیریت اسلامی است، به طور خاص با مطالعه نظام‌های اجتماعی، اهداف ذیل را تعقیب می‌کند:

۱. کشف و طراحی نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛

۲. تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظام‌های اجتماعی اسلام ارائه‌نگوهای کاربردی در قلمرو آن؛

۳. آسیب‌شناسی نظری و کاربردی نظام جمهوری اسلامی ایران و مدرسان به توان امور و بسترسازی برای تحقق کامل‌تر نظام‌های اسلامی؛

۴. حققت در این مسائل مستحدثه به انگیزه گره‌گشایی در زمینه نیازهای نوپیدای فقهی

۵. پاسخگویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و مدیریتی اسلام؛

۶. شناخت و نقد علمی مکاتب و نظام‌های معارض.

مجموعه حاضر که نتیجه تلاش علمی محققان ارجمند، جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا، جناب آقای دکتر ناصر قربانزاد، جناب آقای دکتر محمدجواد فتحی، جناب آقای دکتر علی دهقانی و جناب آقای عبدالحکیم سلیمی در گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی است که با مشارکت مختلفی در حوزه عدالت می‌پردازد و به کوشش جناب آقای حسینعلی باغ‌ان عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گردآوری و تنظیم شده است.

عدالت و آراهی مقدس است که همه ادیان در صدد تحقق آن بوده‌اند و قرآن هدف از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی را اقامه قسط و عدل در جامعه می‌داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». چنان‌که تمامی مکاتب بشری نیز حداقل در سخن آن را محترم شمرده، ادعای حرکت به‌سوی آن را دارند و طلایه‌داران تمامی تحولات حقوقی، اعم از ماهوی و شکلی و ملی و بین‌المللی پرچم فراهم‌سازی بستر و

سازوکاری مناسب در جهت اجرای عدالت را بر دوش می‌کشند؛ اما باید گفت، عدالت مفهومی سهل و ممتنع است؛ زیرا اینکه عدالت چیست، مصادیق آن کدام است، چه سنجه‌هایی برای تشخیص آن وجود دارد، سازوکار مناسب برای اجرای آن چیست و... از اموری هستند که بسیار درباره آنها سخن گفته شده است، اما راه همچنان پیمودنی است.

در این مجموعه، موضوعات مختلفی از بحث عدالت حقوقی شامل «اجرای عدالت، احساس عدالت»، «عدالت و حقوق»، «حق و عدالت در اندیشه استقامت‌مطهری»، «نسبت میان عدالت و حقوق بشر»، «اصل فردی‌کردن مجازات‌ها؟ - میضی فاضل یا عدالتی عادلانه‌تر»، «استقلال بازپرس در انجام تحقیقات مقدساتی و تأثیر آن در تحقق دادرسی عادلانه‌تر» و «راهکارهای تأمین عدالت» بررسی شده است.

بر خود فرض می‌دانیم که نویسندگان محترم مقالات، اعضای شورای علمی گروه فقه و حقوق، به‌ویژه ارز ابان نتره مقالات و جناب آقای حسینعلی بای که گردآوری این مجموعه را به عهد رسانید، کمال تشکر و قدردانی خود را ابراز نماییم.

گروه فقه و حقوق

پژوهشکده نظام‌های اسلامی

مقدمه

عدالت رُئی است که غواص بشریت در همه امصار و اعصار، در همه ادوار تاریخ و تمامی تمدن‌ها در پی صید آن بوده است. چه عمرهای گرانمایه که در راه نیل به آرمان بران تحقق عدالت، صرف نشد، چه مجاهدت‌ها که در این راه صورت نگرفت و چه ملامت‌ها و سختی‌ها که بر مجاهدان طریقت اقامه دادگری نگذشت؛ چه خان‌ها، پادشاهان، که در راه برپایی عدالت و قسط و داد، سنگفرش‌های کوچه‌ها و بازارها، سنگ‌نساخت و چه سرهایی که در پی تحصیل این آرمان والا و هدف متعالی بر دارها نرفت و چه تبعیدها، رنج‌ها و دربه‌داری‌ها که نصیب کمر بستگان، قامت راستان و پاک‌سرشتان وادی این عرصه کارزار نشد، و این همه مرارت کشیدن و غم‌خوردن، در برابر این مقصد و مقصود والای بشری، بهای زیادی نیست؛ «اینکه عالم هستی، خود، بر پایه عدل بنا و استوار شده است، «العدل اساس به قوام العالم» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۳۸) و تردیدی نیست که با فروریختن پایه‌های هر بنایی، آن بنا فرو خواهد ریخت و از این‌روی اجتماع انسانی، بدون برپایی عدالت، امکان بقا نخواهد داشت و چگونه این همه مصائب بهای سنگینی باشد که ساعتی به عدالت رفتار کردن، بهتر است از عبادت هفتاد سال که شب‌های آن به عبادت و روزهایش به روزه‌داری سپری شده باشد (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۷۲، ص ۳۵۲).

برپایی عدالت زینت حکومت و حاکمان و عامل بقا و دوام آن است که

«الملك يبقی مع الكفر و لا يبقی مع الظلم» (همان، ص ۳۳۱). تلاش حاکمان در راه برپایی قسط و داد، جدای از اینکه عمل به سنت الهی است، موجب ثبات حکومت‌ها می‌شود: «فی العدل الاقتداء بسنة الله و ثبات الدول» (نوری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۲۰). حکومتی که قواعد عدالت را برپای دارد، ماندگار است و دولتی که عدالت را قربانی مطامع خویش سازد در معرض زوال است؛ چنان‌که حضرت امیر فرمودند: «ثبات الدول باقامة سنن العدل» (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۰)، و جز این نیست. به فرمانروایی که با شهروندان خویش به ظلم رفتار کند، خداوند به سبب سنت خویش - هلاک و نابودی وی را تعجیل نماید: «من عامل رعیتة بالظلم انجان الظلمة و عجل بواره و هلکة» (همان، ص ۳۴۶).

اجراء عدالت برپایی آن موجب اصلاح امور رعیت است؛ چه اینکه امر اجتماع، بر به عدالت، ایمن نمی‌یابد (همان). بی‌عدالتی، افزون بر آنکه موجب دست‌اندراری و جاه‌طلبان به حریم بیچارگان و افراد ضعیف جامعه می‌شود و از این جهت ظلم اجتماع را مختل می‌سازد، گناه واکنش‌های انتقام‌جویانه و مقاومت‌های حقداران را نیز به دنبال دارد که این نیز به نوبه خود، موجب بی‌نظمی‌هایی در اجتماع می‌شود. اصلاح امور افراد جامعه به عدالت‌ورزی حاکم است. ستاندن حق ظلمت از ظالم و بر جای خودنشانیدن متجاوز، به امور اجتماع انتظام می‌بخشد، چه اینک «صلاح الرعیة العدل» (همان، ص ۳۳۹).

عدالت گستره موجب عمران و آبادی بلاد است؛ فرموده میرالمؤمنین، این کشته شده راه عدالت، هیچ عاملی، همچون عدالت‌ورزی حاکمان، موجب آبادانی سرزمین‌ها نخواهد شد: «ما عمرت البلدان بمثل العدل» (همان، ص ۳۴۰). سرزندگی و حیات اجتماع بشری در برپایی عدالت است؛ چه اینکه توده‌های اجتماع در حکومت ظلم و جور مفهوم رفاه و آسایش و زندگی آسوده را درک نخواهند کرد و ترس مداوم از جباران و عمال ظلمه، نخواهد گذاشت آب خوشی، گوازای وجود افراد جامعه باشد. به فرموده امام صادق (ع): عدالت چقدر وسعت دارد؟ اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود، همگی بی‌نیاز خواهند شد

(ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳). دادگری نسبت به اجتماع، گواراتر از رساندن جرعه آبی به لب تشنه‌کام است؛ «العدل احلی من الماء مصیبه الظمان» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۶). برقراری عدالت در جوامع بشری، شیرین‌تر از غسل، خوشبوتر و دل‌انگیزتر از رایحه مشک ختن است (همان، ص ۱۴۷).

دادورزی حاکم است که «تسکین قلوب» (ابن بابویه، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۴۸) افراد جامعه و آرامش خاطر و روان مردمان را به دنبال دارد؛ زیرا آحاد جامعه، وقتی که ستمی بدان‌ها رسد، با علم به عدالت حاکم، بی‌هیچ اضطراب، خاطر و تشویشی، داد خویش به نزد او خواهند برد و حق خویش را باز خواهند ستاند و دست‌کار نیز از هراس حکومت عدل، نخواهد توانست بی‌محابا بتازد. بنابراین، حال ضعیفان، درازدستی نماید.

عدالت و امنیت دو آل پرند سعادت اجتماعند: شکوفاشدن استعدادها و رونق فعالیت‌های اقتصادی، اجازت کشاورزی... همه و همه در گرو وجود امنیت در جامعه است. جامعه‌الامن در گرو روی سعادت و آبادانی به خود نخواهد دید. امنیت نیز به نوبه خود، در گرو عدالت است؛ بی‌عدالتی، نابسامانی و بی‌نظمی و ناامنی را به دنبال دارد و عدالت، به هر راه خود امنیت را به دنبال خواهد داشت. بر همین اساس است که خداوند سعادت گرانهای هدایت و امنیت را نصیب کسانی می‌فرماید که به عدالت گرویده باشند. و به ظلم و ستم خود را نیالوده باشند. در روایتی وارد شده است که مردم همگی نازمند سه چیزند: امنیت، عدالت و رفاه (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۷۵، ص ۲۳۴). رفاه اجتماعی نیز به سان امنیت بدون تأمین عدالت، میسر نخواهد شد.

عدالت‌ورزی افزون بر آثار اجتماعی خویش موجب نزول برکات می‌شود؛ «بالعدل تنضاعف البرکات» (آمدی، ۱۳۸۱، ص ۴۴۶). طبیعت نیز هرگاه، والی حق‌پیشه‌ای را بیابد که بر طریق عدل و داد حکم می‌راند به جوش و خروش آمده و نعمات و برکات خویش را از زمین و آسمان به اذن خداوند، نثار آن سرزمین

می‌نماید.^۱ در تفسیر آیه شریفه «واعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» آمده است که خداوند تبارک، مردانی را برمی‌انگیزد تا عدالت را بر پا دارند، پس به سبب گسترش عدالت و دادگری ایشان، زمین مرده، زنده می‌شود و برکات خویش را ارزانی مردمان می‌سازد (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۱۷۴).

این‌گونه است که در زمان ظهور حضرت حجت مردم به نعمت‌هایی دست می‌یابند که قبل از آن نظیرش وجود نداشته است. در آن هنگام آسمان پیوسته و اهدا بارید و زمین چیزی از رویدنی‌های خویش را از مردمان مضایقه نراهد کرد (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۵۱، ص ۸۸) و این سنت الهی است که عدالت نزول برکات و ظلم و ستم انزال نعمات را به دنبال دارد: «اذا حکموا بغير عدل ارتفع البرکات» (کراجکی، ۱۳۸۰، ص ۷۳).

عدالت در کتاب الهی، آنچنان جایگاه منحصر به فردی دارد که «زینت ایمان مؤمنان»^۲ است. در حدیثی شریفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۸۳۹، بلکه هسته مرکزی ایمان است: «العدل راس ایمان» (همان). بر این اساس است که پیشوای عدالت‌پیشه، ارزش عدالت را بسی بالاتر از ارزش جود و بخشش می‌داند و در پاسخ به این پرسش که عدالت ارزش برتر است یا بخشش، می‌فرماید:

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يَخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ نَاصِلٌ فَأَنْ دُلُّ أَسْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا» (نهج البلاغه، ص ۵۵۳): اجرای عدالت، موجب می‌شود امور در جای مناسب و بایسته خود قرار گیرد و حال آنکه احسان و بخشش، آن امور را از جهت خود خارج می‌سازد. عدالت مدیریت و جنبه عمومی دارد و حال آنکه بخشش حالت ناسیبه رضی دارد، پس عدالت شریف‌تر و بافضیلت‌تر است.

این‌گونه است که خداوند پیامبری را به رسالت مبعوث نفرمود، مگر اینکه ایشان را مأمور برپایی قسط و داد فرمود؛^۳ به دادرسان، فرمان دادورزی

۱. و تنزل السماء رزقها و تخرج الارض برکاتها باذن الله عزوجل (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۵۶۸).

۲. لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط (حدید: ۲۵).

داد^۱ و همگان را به رعایت عدالت^۲ امر فرمود و در کتاب هدایتش «قیام بالقسط» را مترادف «قیام لله» برشمرد و برپادارندگان قسط را برپادارندگان سنت و آیین الهی دانست؛^۳ دادورزی و عدالت را نشانه تقوی قرار داد: «إِعْدَلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده: ۸) و به عنوان بهترین نصیحت، (نساء: ۵۸) آحاد افراد جامعه را توصیه فرمود که حتی در سخن گفتن جانب حق و عدالت پیش گیرند (انعام: ۱۵۲) و در این راه هیچ حزن و اندوهی از زیان‌های احتمالی اجرای عدالت که ممکن است بر آنها و نزدیکانشان برود، بر خود راه ندهند (نساء: ۱۳۵) که عدالت‌ورزیدن، عهدی است که خداوند از بندگانش خود ستانده است (نهج البلاغه، ص ۵۰).

حضرت علی (ع) پس از به دست گرفتن زمام امور مسلمانان فرمودند:

«وَالْأَبْرَارُ بِنُورِهِ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لِرَدِّدَتُهُ فَبِإِنَّ فِي الْعَدْرِ سَمًّا وَمَرًّا نَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ» (همان، ص ۵۷): به خدا سوگند اگر چنان بینم که با اموال بیت‌المال، زنی به همسری یا کنیزی که مدتی درآمده باشد، آنها را به بیت‌المال باز خواهم گرداند؛ زیرا که گشایش است، هر که دادگری بر او تنگ آید، بیداد بر او تنگ‌تر خواهد آمد.

در توضیح این بخش از کلام حضرت که فرمود «کسی که تحمل عدالت بر او دشوار باشد، تحمل ظلم و ستم بر او آسان‌تر خواهد بود» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۹)، شهید و الامقام مطهری بیان می‌دارند:

عدالت بیش از هر چیز دیگر گنجایش دارد که همه را بپذیرد و کسی را یگانه ظرفیتی که می‌تواند همه را در خود جمع کند در نیاند. رضایت عموم واقع گردد عدالت است. اگر کسی در اثر انحراف

۱. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء: ۵۸).

۲. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (نحل: ۹۰).

۳. دقت و تأمل در دو آیه ۱۳۵ سوره نساء (بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ) و ۸ سوره مائده (بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ) نشان از ارزش بسیار ویژه دادگری دارد.

طبیعت و در اثر حرص و آز به حق خود قانع نباشد و قناعت به حق بر او فشار بیاورد، ظلم و جور بر او بیشتر فشار خواهد آورد (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۴).

رهبر معظم انقلاب اسلامی که همواره بر اجرای عدالت تأکید داشته‌اند، در سال جاری بر تأکیدات خویش افزوده و اجرای عدالت را به عنوان راهبردی اساسی مورد مطالبه قرار داده‌اند. ایشان دهه چهارم انقلاب را دهه «پیشرفت و عدالت» نام نهاده‌اند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۶/۲).

عدالت همواره در منظر مقام معظم رهبری، از محوری‌ترین و مهم‌ترین مسائل حکومت اسلامی به شمار رفته و می‌رود که در این مجال کوتاه و مقال مختص، به بررسی آن دیدگاه‌های ایشان در مورد عدالت اشاره می‌شود:

۱. عدالت، از اسی قدیم اصل حرکت الهی است

مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش محوری عدالت در مکاتب الهی بیان می‌دارند: تکیه بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ادامه کار همه آن‌ها مصلحان بزرگ تاریخ است... عدالت، تندروری نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۵/۱۲).

معمولاً در مناسبت دیگری می‌فرمایند: «فلسفه حاکم ما، عدالت است. رشد اقتصادی باید هم‌پای عدالت پیش برود» (بیانات، ۱۳۸۳/۲۹/۱۰).

۲. عدالت شاخصه مشروعیت حکومت

ایشان در «نخستین نشست راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، ضمن تأکید بر لزوم توجه مضاعف به عدالت در دوران توسعه اقتصادی، بیان می‌دارند: مسئله عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله عدالت باشد. اصلاً عدالت معیار حق و باطل حکومت‌هاست؛ یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است (بیانات، ۱۳۸۹/۱۰/۹).

۳. توأم ساختن اجرای عدالت با عقلانیت و معنویت

ایشان با تأکید بر اجرای عالمانه عدالت گستری و بیان این نکته که: «عدالت را نباید تدروی و مخالفت با شیوه‌های علمی دانست؛ با استفاده از همه شیوه‌های عالمانه و با تدبیر می‌توان عدالت را در جامعه مستقر کرد» (بیانات، ۱۳۸۴/۵/۱۲)، بر در هم تنیده بودن مفاهیم عدالت، معنویت و عقلانیت تأکید می‌فرمایند:

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاح عدالت حواس بود.

عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت، کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیار می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند.

بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است. عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید. در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته عدالت هم بدون گرایش به عدالت، یک بعدی است. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸).

۴. مطالبه عمومی بودن تأمین عدالت

ایشان، اولین انتظار ملت از مسئولان را ملاحظه عدالت می‌دانند و می‌فرمایند: دولت مردان وظایف سنگینی دارند که باید انجام دهند. ملت حق دارد اولین چیزی را که از مسئولان انتظار دارد و توقع می‌رود، ملاحظه عدالت باشد. برای تأمین عدالت که بسیار هم دشوار است، باید همه کار کنند، همه تلاش کنند (بیانات، ۱۳۸۶/۳/۱۴).

من اعتقادم این است که باید مردم نسبت به مسئله عدالت اجتماعی و خواست عدالت اجتماعی، مجدانه و منطقی، با مسئولان نشان صحبت کنند و از دولت‌ها و از نمایندگان مجلس این را بخواهند؛ آن کسی را که شعار عدالت اجتماعی می‌دهد، موظف و مسئول بکنند و از او مطالبه نمایند (سایه‌سار ولایت [نرم‌افزار]، ۱۳۸۸).

۵. درجه اول بودن ارزش عدالت

نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر جدی داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلاً ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی اینها نیست؛ اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مسئله عدالت و نفی تبعیض و تبعیض به نیازهای طبقات محروم در جامعه کم‌رنگ می‌شود، خطر بزرگ است (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸).

۶. توزیع متناسب درآمد و فرصت‌ها

ممکن است در معنای عدالت، انفرادی، کسانی یا گروه‌هایی اختلاف نظر داشته باشند؛ اما باید همه مسلم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر به بویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن - عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، اظهار نظرها - در سطوح دوردست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آرد، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدر مسلم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام بگیرد (بیانات، ۱۳۸۵/۳/۲۹).

عدالت به معنای یکسان بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید

بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرینجهٔ عدالت‌گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

البته عدالت - همان‌طور که گفتیم - در اسلام دارای مفهوم خیلی وسیعی است. مفهوم عدالت، یعنی تأمین همهٔ نیازهای مادی و معنوی انسان. این اعطای «کُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» که معنای عدالت است، هر صاحب حقی را به حق خود رساندن است. شما ببینید حقوق انسان‌ها چقدر دامنهٔ وسیعی دارد؛ تأمین همهٔ اینها می‌شود عدالت. این عدالت در بطن خود طبعاً آزادی را هم دارد؛ آزادی به معنای درست (سایه‌سار ولایت [نرم‌افزار]، ۱۳۸۸).

۷. شرایط و لوازم ابراز عدالت

عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت. عدالت، با تعارف درست نمی‌شود؛ اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردم‌بینی لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد؛ این هم جزو پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت است. اول باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم. ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم؛ وظیفهٔ من و شما اینهاست. واقعاً با ما بی‌توجه‌خواران و فساد مبارزه کنیم (بیانات، ۱۳۸۵/۳/۲۹).

۸. برپایی عدالت؛ مهم‌ترین هدف ادیان الهی

ادیان هدف خودشان را عدالت قرار دادند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». قطعاً این آیه حکم می‌کند بر اینکه هدف ارسال رسل و انزال کتب و آمدن بینات - یعنی حجت‌های متقن و غیر قابل تردیدی که پیغمبران ارائه می‌دهند؛ کتاب، یعنی منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات؛ میزان، یعنی آن سنجه‌ها و معیارها - قیام به قسط بوده است... پس هدف شد عدالت.